

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۳۲۰ - ۳۰۱

حق و تکلیف در نظام تامین اجتماعی وظیفه حقوقی و اخلاقی دولت

محمد رضا نجف آبادی پور^۱

ابوالفضل جعفرقلی خانی^۲

طیبه بلوردی^۳

چکیده

حق برخورداری از تامین اجتماعی به عنوان یک حق اساسی و بنیادین به منظور تامین منافع اشخاص در زندگی فردی و اجتماعی مورد شناسایی واقع شده است در مقابل دولتها، نیز وظیفه اجرای تحقق این حق را به عهده دارند. نظام تامین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی در سه حوزه بیمه ای، حمایتی و امدادی در حال اجراست. در بخش بیمه ای و در قالب نظام مشارکتی با پرداخت حق بیمه سهم کارفرمایان، کارگران و دولت در راستای اجرای اصل ۲۹ قانون اساسی سازمان تامین اجتماعی نقش اساسی دارد. قانون معافیت پرداخت حق بیمه سهم کارفرما به میزان ۵ نفر در سال ۱۳۶۲ از مواردی است که به منظور حمایت از کارگاههای تولیدی، فنی و صنعتی به تصویب رسیده و در حال اجراست. اما به لحاظ بار مالی و دلایل مختلف از تعداد کارگاههای مشمول کاسته می شود. نوع نگاه قانون اساسی، قوانین عادی و قانون ساختار متفاوت از کاهش معافیتها و حذف می باشد. در این نوشتار هدف؛ تکلیف دولت در راستای رفع تبعیض و رعایت اصل برابری و مولفه اخلاق در یکسان سازی نرخ حق بیمه تمام کارگاههای صنفی می باشد.

واژگان کلیدی

وظیفه اخلاقی دولت، نظام تامین اجتماعی، سازمان تامین اجتماعی، حق، تکلیف.

۱. دانشجوی رشته حقوق عمومی، ورودی ۱۳۹۳، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران.

Email: mohammad.najafa@gmail.com

۲. دکتری حقوق عمومی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Jafargholikhani@yahoo.com

Email: t_balvardi90@yahoo.com

۳. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰

طرح مسأله

سازمان تامین اجتماعی یکی از سازمانهایی است که در بخش راهبرد بیمه ای و در قالب نظام مشارکتی با پرداخت حق بیمه سهم کارفرمایان، کارگران و پرداخت سهمی توسط دولت در راستای اجرای اصل ۳۹ قانون اساسی نقش اساسی را برعهده دارد. قانون معافیت پرداخت حق بیمه سهم کارفرما به میزان ۵ نفر که در سال ۱۳۶۲ به منظور حمایت از کارگاههای تولیدی، فنی و صنعتی به منظور حمایت از تولید داخلی در بخش بیمه ای به تصویب رسیده بود هنوز با برجاست هرچند هرروزه از تعداد کارگاههای مشمول کاسته می شود امروزه در اغلب کشورهای اعم از توسعه یافته و در حال توسعه جایگاه بنگاههای کوچک و متوسط در اقتصاد مورد توجه سیاستگذاران اقتصادی قرار گرفته و تلاش می شود تا از پتانسیل این گروه از بنگاه ها برای تحقق اهداف کلان اقتصادی استفاده شود (نادعلی، ۱۳۹۰: ۲۶۴) در این نوشتار هدف؛ حذف و قطع حمایتها از این کارگاهها که توسط دولت انجام می گردد نیست بلکه در راستای رفع تبعیض، حمایت از اقتصاد داخلی، یکسان سازی نرخ حق بیمه در کارگاههای صنفی و سرشکن نمودن مساعدتها و معافیتها به تمام کارگاههای صنفی مد نظر می باشد. حق و تکلیف ملازم هم هستند و تلازم میان آن دو می تواند بعنوان ثبوت هر حقی در خارج برای یک صاحب حق مستلزم ثبوت تکلیف برای دیگری است و ثبوت تکلیف برای یک شخص کاشف از ثبوت حقی برای دیگری است (موسوی، ۱۳۹۴) بیان حق و تکلیف و درک و شناخت صحیح از مفهوم تامین اجتماعی در بسیاری از کشورها حتی کشور خودمان آنچنان که شایسته و بایسته است از لحاظ مبانی نظری شکل نگرفته ولی برخی از جنبه های قانونی آن در راستای عمل به مقوله نامه ۱۰۲ سازمان بین المللی کار مصوب ۱۹۵۲ به رعایت حداقلها و استانداردهای حداقلی آن سازمان در کشورها مورد توجه و اهمیت واقع شده است و از طرف دیگر با لحاظ قسمت دوم ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مقرر می دارد «هر کسی باید از حق داشتن تامین اجتماعی در بیماری، بیکاری، از کار افتادگی، از دست دادن سرپرست خانواده؛ پیری و دیگر حوادثی که به عللی خارج از اختیار خود، وسایل امرار معاش را از دست داده باشد برخوردار گردد مورد توجه و اهمیت واقع شده است. نظام تامین اجتماعی در ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و خارج از بحث چهار چوب نظری که تکامل نیافته در حد رعایت حداقلها اقدام و انجام می گیرد.»

با تصویب قانون ساختار جامع در ۱۲ اردیبهشت ۸۳ قدم مهمی در راستای تحقق تامین اجتماعی و اجرای اصل ۲۹، تفکیک سه حوزه بیمه ای، امدادی و حمایتی در حوزه نظام تامین اجتماعی و تعیین حق ایجاد شده برای شهروندان از یک سو و مکلف نمودن دولت از سوی دیگر برداشته شد که در راس آن وزارت تعاون، رفاه، کار و امور اجتماعی متولی نظام تامین اجتماعی جمهوری اسلامی گردید. در حوزه بیمه ای نیز، سازمان تامین اجتماعی یکی از سازمان هایی

است که به عنوان یک نهاد بیمه گر اجتماعی مأموریت اصلی آن پوشش کارگران مزدو حقوق بگیر (به صورت اجباری) و صاحبان حرف و مشاغل آزاد (به صورت اختیاری) است. بر اساس قانون، سازمان تامین اجتماعی یک نهاد عمومی غیر دولتی است که بخش عمده منابع مالی آن از محل حق بیمه ها (مشارکت بیمه شده و کارفرما) تامین میشود و متکی به منابع دولتی نیست و ارتباط مستقیم با بخش نظام اقتصادی کشور دارد. از یک سو رونق فعالیت های تولیدی و صنعتی موجب افزایش جمعیت تحت پوشش و تقویت منابع مالی این سازمان می شود و از سوی دیگر پوشش بیمه ای کارگران و جمعیت شاغل کشور به افزایش اطمینان خاطر ایجاد امنیت روحی و سلامت جسمی و در نهایت کاهش نرخ بیکاری و ارتقای بهره وری نیروی کار منجر می گردد. عمده منابع درآمد سازمان تامین اجتماعی حق بیمه واریزی به سازمان تامین اجتماعی است که قطعا ورودی بسیار مهم به صندوق تامین اجتماعی می باشد در این مهم دولتها معمولاً با استفاده از قوانین حمایتی و مساعدتهایی درمورد حق بیمه ها با حمایت از کارفرمایان سهمی از حق بیمه را به عهده گرفته و در جهت رشد توسعه اقتصادی کشور از کار فرمایان حمایت می کند. یکی از مواردی که دولتها نسبت به کارفرمایان حمایت انجام می دهد قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایان که حداکثر پنج نفر کارگر دارند. علی رغم اینکه حمایت از کارفرمایان به نوعی در راستای پرداخت حق بیمه ها و حمایت کارگر مناسب است اما از لحاظ حقوقی آثار مثبت و پیشنهاد شمولیت این معافیت و تسری آن به سایر کارگاههای صنفی در راستای نظام تامین اجتماعی جامع و پویا گام بر می دارد که در ادامه به این نتیجه خواهیم رسید یکسان سازی نرخ بیمه با سرشکن کردن حمایتها و معافیتها به کارگاههای بیشتر هم افراد تحت پوشش دریافتی از حمایتهای دولت به نسبت قبل متفاوت خواهد شد و هم حق بیمه های زیادتری به سازمان تامین اجتماعی واریز خواهد شد که از لحاظ درآمدی سازمان رشد و بهبود خواهد یافت و احقاق حقوق بیشتر برای افراد جامعه منتهی خواهد شد.

هدف این نوشتار فراگیری و رعایت اصل برابری و مساعدتهای اجتماعی برای همه کارفرمایان و شناساندن حق آنها برای مطالبه و تکلیف دولت در خصوص عدم قطع حمایت سهم بیمه کارفرمایان می باشد.

۱- مفهوم تامین اجتماعی

از نظر لغوی واژه «تامین» ماخوذ از ریشه امن و به معنی «ایمن کردن» یا فراهم نمودن آرامش و آسایش خاطر است. (معین: ۱۳۸۹، ۲۷۵) و کلمه اجتماعی در واقع رابطه آن با جامعه از ابعاد سنتی، تاریخی و جغرافیایی نشان می دهد. (چربگو، ۱۳۸۶) واژه ترکیبی تامین اجتماعی برای اولین بار به طور رسمی در قانون ۱۹۳۵ در ایالت متحده آمریکا به کار رفت. این قانون را باید سند تولد تامین اجتماعی دانست و شاید هم درست تر این باشد که آن را سند مرگ بنامیم: مرگ

اندیشه و آزادی اقتصادی به گونه ای افراطی که تا سال ۱۹۲۹ بر ایالات متحده حکمفرمایی داشت (عراقی، ۱۳۸۶: ۱). این اصطلاح در کتاب فرهنگ اصطلاحات کار و تامین اجتماعی چنین تعریف شده است:

« تامین اجتماعی » به حمایت علیه مخاطرات اجتماعی از نگرانی های حاصل از اتفاقات ناگوار یا اقداماتی به منظور حمایت یا اطمینان دادن به جهتی علیه مخاطرات اجتماعی اطلاق می شود. تامین اجتماعی مقررات و اقداماتی است که برای حمایت افراد یک جامعه در مقابل خطرات و پیشامدهای اجتماعی نظیر بیکاری، فوت، از کار افتادگی، بازنشستگی و غیره به کار می رود. به عبارت کلی تر، تامین اجتماعی، تامین منافع افراد اجتماع در مقابل پیشامدها و مخاطراتی است که احیانا موجب تنزل سطح زندگی آنها گردد. در واقع هدف تامین اجتماعی از بین بردن احتیاج است (مجتبوی، نایینی، ۱۳۷۸: ۱۵).

دانستن مفهوم عام و خاص تامین اجتماعی گستره فعالیت و حدود وظایف دولت ها، سهم مشارکت مردم، سهم حمایتی و مساعدت اجتماعی دولت را برای پژوهشگر در حوزه نظام تامین اجتماعی مشخص و معین تر می کند و به پژوهشگر چهارچوب مشخص برای تحقیق بیان میکند. در واقع برداشت مفهوم عام و خاص تامین اجتماعی، نظام تامین اجتماعی هر کشور را در حوزه ساختاری، حمایتی و غیره بیان میکند.

الف) تامین اجتماعی در مفهوم عام: در تامین اجتماعی به مفهوم عام همه اعضای کشور - یعنی یکایک افراد ملت جزو اشخاص تحت حمایت می باشند. (نعیمی، پرتو: ۱۳۹۴، ۹) و اقدامات به اشکال مختلف توسط حکومت ها، سازمان ها و افراد در جهت حمایت از قشر آسیب پذیر جامعه انجام می شود. (موسوی، ۱۳۸۴)

از توضیح آنچه بیان شد میتوان اصل را بر بهره مندی افراد متقاضی حمایت گذاشت و مستفاد از اصل ۲۹ قانون اساسی و بند الف ماده ۹ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی سیاست فراگیری را در مفهوم عام آن دانست.

ب) مفهوم خاص تامین اجتماعی محدوده وظایف نظام تامین اجتماعی را مشخص تر و دسترسی به آن را ممکن تر می کند. تامین اجتماعی در معنای خاص حمایتی است که از بیمه پردازان و افراد تحت تکفل آنان در برابر خطرهایی چون پیری، از کار افتادگی، بیماری و مرگ در قالب یک نظام منسجم و قاعده مند به عمل می آید (نعیمی، پرتو، ۱۳۹۴: ۱۶)

در مفهوم خاص اما دکتر عراقی معتقد است اگر نگاهی دقیق تر به قانون سال ۱۹۳۵ داشته باشیم تنها خطرهای پیری، بیکاری، از کار افتادگی، مرگ سرپرست خانواده را مورد توجه قرار میدهد. (عراقی، ۱۳۸۶: ۲)

نهایتا آنچه که آثار خاص و عام بودن تامین اجتماعی بر آن مترتب است را می توان در

نقش دولت، اصول حاکم بر حمایت های تامین اجتماعی، قلمرو رسالت و هدفهای تامین اجتماعی دانست.

اگر با یک نگاه ساده به اصل ۲۹ قانون اساسی در ارتباط با تامین اجتماعی برخورد داشته باشیم از فحوای اصل، مفهوم خاص تامین اجتماعی در جهت برخورداری هر یک از افراد که حق همه دانسته شده است برداشت خواهد شد که بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره، متعلق به همه و حق همه است. در این اصل هدف تامین اجتماعی محدود به فرد یا افراد بیمه شده نیست بلکه راه های برخورد با آثار خطرهای اجتماعی و رفع آنها را وظیفه تامین اجتماعی برشمرده که از راه مشارکت و غیره باید تامین شود. اما اگر در ماده یک قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی دقت نظر داشته باشیم حوزه تامین اجتماعی را فراتر از مفهوم عام دانسته و یا حتی خارج از آن، بدین معنا علاوه بر حوزه خدمات اجتماعی و رفاه به سازگاری فرد با محیط اجتماعی و سلامت روحی و روانی او را مورد توجه قرار داده است. در واقع جمع و تکمیل شیوه های رسیدن به اهداف تامین اجتماعی نهادهایی را بوجود می آورند و منظور از نظام ها به طور کلی مجموعه نهادهایی است که در مسیر رسیدن به هدف های تامین اجتماعی مورد استفاده قرار می گیرد.

نهایتاً: نظام تامین اجتماعی در بردارنده مجموعه ای از اصول، نهادها، ساختارها و ساز و کارهای شناخته شده است که با هدف تامین و گسترش امنیت اجتماعی و اقتصادی در حال و آینده تدوین شده و به مرحله اجرا در می آید. (معاونت فرهنگی اجتماعی تامین اجتماعی: ۱۳۹۴، ۲۱)

براساس قانون ساختار نظام جامع سال ۸۳ نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی یا همان نظام تامین اجتماعی جمهوری اسلامی را می توان به چهار بخش تقسیم کرد:

اول: حوزه های نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی

دوم: اصول و سیاست های کلی نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی

سوم: تشکیلات و ارکان چهارگانه نظام تامین اجتماعی

چهارم: نظام بیمه های اجتماعی

با توجه به این که موضوع و هدف اصلی این نوشتار به بررسی حق بیمه و به طور خاص کارگاه هایی که مشمول معافیت و در سازمان تامین اجتماعی هستند، مورد بحث قرار می گیرد، لذا فقط به بیان کلیاتی که از بخش های نامبرده اکتفا می شود و تمرکز اصلی بحث بر موضوع حق بیمه کارگاه های مشمول معافیت در سازمان تامین اجتماعی خواهد بود.

با دقت نظر در گذشته و دیدن وضعیت فعلی کشور در خصوص تامین اجتماعی، آنچه که

مشاهده می‌شود مشکلات مربوط به نظام تامین اجتماعی (بیمه ای، فقر، کاهش نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی) هنوز وجود دارد و به عنوان یک مساله جدی مطرح است که این امر خود، نشان از ناکارآمدی حوزه نظام تامین اجتماعی در کشور می‌باشد.

از زمان تصویب قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی تقریباً حرکت کلی و مسیر مشخصی برای نظام تامین اجتماعی طراحی، تدوین و تصویب شد و سند بسیار مهم در این زمینه جهت رشد و تعالی تامین اجتماعی بوجود آمد. در ماده ۲ قانون ساختار، نظام تامین اجتماعی را به سه حوزه بیمه ای، امدادی و حمایتی تقسیم بندی شده است که هر کدام از این سه حوزه با توجه به پیش بینی وظایف و مشخص نمودن چهارچوب فعالیت در قلمرو تامین اجتماعی فعالیت دارند و می‌توان به این صورت گفت که هر یک از نهادهای نامبرده در سه حوزه بخشی از جامعه را در مقابل خطرات طبیعی اجتماعی و یا اقتصادی پوشش می‌دهد.

تمرکز اصلی در این نوشتار حوزه بیمه ای است که مقصود همان بیمه اجتماعی است. بیمه اجتماعی ساز و کاری است برای حمایت افراد جامعه از یکدیگر در برابر خطراتی که تداوم یک زندگی شرافتمندانه را به خطر می‌اندازد. (نعیمی، پرتو: ۱۳۹۵، ۶۷)

۳- حق و تکلیف در نظام تامین اجتماعی و تلازم آنها

الف: حق

حق در لغت به معنای ثابت که انکار آن روا نباشد و آنچه ادای آن واجب باشد، حال واقع، حکم مطابق با واقع. (علی اکبر دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶: ۸۰۲۸)

واژه حق در اصطلاح خاص خود در علم حقوق به معانی مختلفی به کار می‌رود و علمای حقوق تعاریف مختلفی برای آن بیان کرده اند. برخی حق را به معنی امتیاز و توانایی دانسته اند که نظام حقوقی هر جامعه برای اعضای خود به وجود می‌آورد و صاحب واقعی حق کسی است که از آن سود می‌برد؛ مانند حق مالکیت، حق ابوت، حق بنوت و... از این لحاظ مفهوم حق، امتیازی است که به حیات و موجودیت هر موجودی تعلق دارد و هر موجودی به لحاظ موقعیت خود آن را نسبت به دیگری مطالبه میکند (بطحائی گلیایگانی، ۱۳۸۳: ۱۱۲)

این ارفاق و امتیاز را قانون به شخص می‌دهد و از آن پشتیبانی می‌کند و در این حالت خصوصیت بارز حق این خواهد بود که نوعی سلطنت، قدرت و اختیار برای دارنده آن به ارمغان می‌آورد (ورعی، ۱۳۸۱: ۲۹) از این رو حق به معنای قدرت قانونی یک فرد انسانی بر انسان دیگر یا بر یک مال و یا بر هر دو؛ اعم از اینکه آن مال مادی و محسوس باشد؛ مانند خانه یا اینکه مادی و محسوس نباشد، مانند طلب است. (سلیمانی درچه، ۱۳۹۳: ۴) در معنای حقوقی گفته شده که حق عبارت است از توانایی که شخص بر چیزی یا بر کسی داشته باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۱۶۶۹)

برخی دیگر نیز گفته اند مقصود از حقوق: مجموعه ای از مقررات اجتماعی است که افراد یک جامعه ملزم به رعایت آنها بوده، دولت ضمانت اجرای آنها را بر عهده دارد و هدف مستقیم از آن ایجاد نظم و امنیت در جامعه است (مصباح، ۱۳۹۱: ۲۲۵) دسته ای دیگر برای حق «معنای حقیقی و اعتباری قائلند و معنای اعتباری حق را اجازه میدانند. در این معنا زمانی که گفته می شود کسی حق دارد یعنی ذی حق اجازه دارد و مانعی در مقابل وی نیست و لازمه آن اختیار شخص به استفاده و عدم استفاده از آن است (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۱۱۷). در حقیقت «حق» نوعی اعتبار است که برای انسان بما هو انسان وجود دارد (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۹۱: ۱۳۰).

ب: تکلیف

«تکلیف» در لغت به معنای «چیزی از کسی درخواستن که در آن رنج باشد و حق و فرض کاری که باید بجای آورده شود و واجب بود (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴: ۶۰۵۶) معنا شده، گرفته شده است. بنابراین دیدگاه اسلامی، حق و تکلیف دو مفهوم متلازم و دو روی یک سکه اند. این دیدگاه توسط برخی از حقوقدانان نیز اینگونه تبیین شده که: «آدمی هم موضوع حقوق است و هم موضوع تکالیف، حق و تکلیف دو روی یک ورقاند.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۱۴۰۳: ۲) یعنی صرف اثبات حق برای یک طرف، مستلزم اثبات تکلیف برای طرف مقابل است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۰)

نهایتاً در تاریخ پیدایش مفهوم حق، تفکیک میان دو مفهوم «حق بودن» و «حق داشتن» نکته ای بسیار اساسی است. حق به معنای اول در مقابل «باطل بودن» و حق به معنای دوم در مقابل «تکلیف داشتن» قرار می گیرد. آنچه حقوق تامین اجتماعی از آن بهره می گیرد و بر آن تأکید دارد، حق به معنای دوم است.

رابطه میان حق و تکلیف از مسائل بحث انگیز میان متفکران حوزه فلسفه حق است. در فلسفه کانت، حق و تکلیف دو مفهوم متضایف اند. همین طور که ما حقوقی داریم، مکلف به مراعات حقوق دیگران نیز هستیم. پس حق و تکلیف در مقابل هم تحقق می یابند و چون انسان یک موجود اجتماعی است و حقوق و تکالیف در یک شبکه اجتماعی در مقابل هم قرار می گیرند، هیچ کدام بدون دیگری تحقق نمی یابد. تلازم میان حق و تکلیف را می توان به دو صورت بیان کرد:

صورت اول: ثبوت هر حقی در خارج برای یک صاحب حق مستلزم ثبوت تکلیف برای دیگری است، و ثبوت تکلیف برای یک شخص، کاشف از ثبوت حقی برای دیگری است. صورت دوم: در روابط انسانی، هر انسانی که دارای حق بر دیگران است، تکلیفی نیز نسبت به آنها دارد، و چنین نیست که یک انسان صرفاً دارای حقوقی بر دیگران بوده و هیچ تکلیفی نسبت به آنها نداشته باشد (موسوی، ۱۳۹۶).

در صورت اول، بین حق و تکلیف رابطه ای دوسویه بین فرد و دیگری وجود دارد اما در صورت دوم حق و تکلیف هر دو در یک فرد البته در تعامل با دیگران نمود می یابد

آنچه برای یک درک واقعی از تعهدات دولت در نظام تامین اجتماعی اساسی است، این است که اشخاص عنصر فعال همه برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی هستند. انتظار می رود اشخاص در حد امکان ابتداء از طریق تلاش‌های شخصی خودشان و با استفاده از منابع خودشان، (کارفرمایان و بیمه شدگان) روش‌هایی را برای تضمین قابل قبول نیازهای بیمه ای و تامین اجتماعی، به صورت انفرادی یا شراکتی و با دیگران ببینند و در غیر این صورت دولت‌ها حتی در پایین ترین سطح بر اساس قانون مکلف به نظارت می باشند و در عمل متعهد به نتیجه می باشند. وقتی دولت‌ها به دنبال اجرای این تعهدات در حقوق ملی هستند، آنها ملزم هستند تا تکالیفی را بر اشخاص، مشروط به توانایی شان تحمیل کنند. با این حساب، دولت مختار است که بخشی از تعهدات خود را به سازمان های غیردولتی (سازمان تامین اجتماعی و دیگر سازمانهای بیمه گر) و حتی خود شهروندان انتقال دهد. در این خصوص برخی حتی دولت را ملزم به انتقال تعهدات خود به سازمان های غیردولتی و شهروندان و عدم تامین مستقیم حقوق تامین اجتماعی می دانند. از این رو، تعهد دولت به نتیجه تامین حداقل رفاه و تعهد به وسیله تامین رفاه بیشتر به صورت تدریجی و با بسترسازی و جلب مشارکت شهروندان و سازمان های غیردولتی (خصوصی و تعاونی) در راستای تحقق نظام رفاه و تامین اجتماعی توسط دولت‌ها امری پذیرفته شده است..

اما نکته قابل توجه اینکه وظیفه دولت علاوه بر تامین و تدارک حداقل رفاه، تامین اجتماعی و بیمه های اجتماعی استقرار و اجرای عدالت در این توزیع نیز می باشد. دولت تکلیف ندارد که به هر کس به هر اندازه که مطالبه می کند بپردازد و یا بخش عمده منابع را در میان نسل و گروهی خاص توزیع کند و دیگران را بی نصیب سازد. منابعی که در اختیار دولت قرار می گیرد لازم است بر اساس رویه های قانونی و مکانیسمی عادلانه تخصیص یافته و از هر گونه دست یازی خودمختارانه دولتمردان بر آن منابع پرهیز گردد. نمونه بارز آن در سازمان تامین اجتماعی در قانون معافیت حق بیمه سهم کارفرما وارد شده است. دولت مطالبات رفاه عمومی در خصوص نظام تامین اجتماعی را را باید به گونه ای پاسخ دهد که پوشش دهنده مزایای رفاهی و بیمه ای برای طول دوره عمر هر شهروند باشد و در این رهگذر بیمه های اجتماعی را برای حداقل جمعیت خود گسترش دهد..

در صورت دوم ارتباط حق و تکلیف، هر دو این مؤلفه‌ها در یک فرد یا در یک شهروند متجلی می گردد. هر فرد همانطور که صاحب حقوقی است، تکالیفی نیز در جهت احترام به حقوق دیگران و تلاش در راستای حفظ و تداوم همان حقوق بر عهده دارد. از آنجا که حقوق همیشه نیازمند چارچوبی برای پذیرش و تحققشان می باشند، وظیفه طبیعی شهروندان این است که در

جهت حفظ و دوام این چارچوب ها احساس مسئولیت کرده و در این مسیر تلاش کنند
 ناکفته نماند که برخی از تکالیف شهروندی اجتماعی مثل پرداخت مالیات و پرداخت‌های
 بیمه‌ای و نمود قانونی می‌یابند اما بخش عمده‌ای از این تکالیف که شعاع و شمول بیشتری
 نسبت به تکالیف قانونی دارند، به صورت تکالیف اخلاقی باقی می‌مانند. این تکالیف اخلاقی
 اغلب شامل کار و تلاش برای بهبود کیفیت زندگی خود و خانواده و سعی در عدم وابستگی به
 دیگران و همچنین مشارکت اجتماعی به منظور حفظ و یا گسترش حقوق اجتماعی فردی و
 گروهی می‌باشد (موسوی، ۱۳۹۶).

در نهایت حق و تکلیف ملازم هم هستند و تلازم میان آن دو را می‌توان به این صورت
 بیان کرد:

ثبوت هر حقی در خارج برای یک صاحب حق، مستلزم ثبوت تکلیف برای دیگری است، و
 ثبوت تکلیف برای یک شخص، کاشف از ثبوت حقی برای دیگری است؛ این رابطه به صورت
 بسیار روشن و مستند در قانون اسای در اصول متعدد و در قانون ساختار در مواد مختلفی ذکر شده که
 شهروندان را در خصوص نظارت تامین اجتماعی و بیمه‌ای مناسب صاحب حق می‌داند و دولت را
 مکلف، موظف و متعهد دانسته تا به نتیجه رساندن مسوول و پاسخگو بداند.

۴- یکسان سازی نرخ حق بیمه در کارگاه های صنفی

در حقوق عمومی بویژه در حقوق اداری دستگاه‌های اداری به اعتبار داشتن شخصیت
 حقوقی موضوع حق و تکلیف قرار می‌گیرند (امامی، استوار سنگری، ۱۳۸۸: ۴۹) و پس از آن
 قانونگذار جهت دستیابی به برخی مصالح، برای مال یا اموال یا گروهی از انسانها مجموعاً
 شخصیت قائل شده است و آنها را صرف نظر از اجزاتشکیل دهنده موضوع حق و تکلیف قرار
 داده و از آن به عنوان شخصیت حقوقی نام برده است. (طباطبایی حصاری: ۱۳۸۷)

در علم حقوق اشخاص حقوقی به اعتبار فعالیت‌ها و وظایفشان به دو گروه کلی قابل
 تقسیم اند که قرار گرفتن در هر یک از این دو گروه در اهداف، وظایف، فعالیت‌ها و نوع عضویت
 در آن‌ها و وجه افتراقی دارد. اینکه مشخص نماییم سازمان تامین اجتماعی در کدام گروه قرار می
 گیرد از این امر مستثنی نیست و قطعاً ویژگیهای مورد نظر آن گروه را به دست خواهد داد. این
 دو گروه را به اشخاص حقوقی عمومی و اشخاص حقوقی خصوصی تقسیم بندی
 کرده اند. هدف اشخاص حقوقی عمومی که به وسیله اشخاص و مقامات عمومی و دولتی
 ایجاد می‌شوند تامین نفع و فایده عمومی است و ورود و عضویت در آن اختیاری نیست بلکه
 الزامی است. (نعیمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲) در حالی که در اشخاص حقوقی خصوصی به
 رابطه حقوقی اشخاص در زمینه‌های مختلف با یکدیگر می‌پردازد و هدف آن جنبه اختصاصی
 دو نفر را دربرمی‌گیرد.

با توجه به قانون موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ نهادهای عمومی غیر دولتی و اصلاحات بعدی آن و موضوع تبصره ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ و به موجب شق ۱۰ قانون اخیر الذکر «سازمان تامین اجتماعی» را از جمله نهادهای عمومی غیر دولتی محسوب می‌کنند بنابراین درطبقه اشخاص حقوق عمومی قرار می‌گیرد. (طباطبایی حصارى، ۱۳۸۷)

عنوان غیر دولتی بودن فهرست نهادها و موسسات عمومی به معنای خصوصی بودن نیست.

در فصل دوم قانون تامین اجتماعی و به موجب ماده ۱ اصلاحی این قانون در اساسنامه سازمان تامین اجتماعی که بر اساس «قانون تشکیل سازمان تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴» تشکیل شده این سازمان دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است. ماده ۴ اساسنامه سازمان تامین اجتماعی مصوب ۱۳۸۹/۴/۲ هیات وزیران نیز بر این امر تصریح دارد.

با تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی به موجب ماده ۱۱ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، تغییری در وضعیت سازمان تامین اجتماعی به عنوان یک سازمان بیمه ای بویژه از لحاظ استقلال شخصیت حقوقی و توجه به تکالیف و تعهدات آن ایجاد نشده است. (نعیمی و همکاران: ۱۳۹۲، ۱۲) (طباطبایی حصارى: ۱۳۸۷)

این نکته را باید در نظر قرار داد که سازمان تامین اجتماعی علی‌رغم داشتن شخصیت حقوقی مستقل زیر نظر وزارت رفاه و تامین اجتماعی و در واقع تحت نظارت دولت قرار دارد. این نظارت راهبردی است و سبب دولتی تلقی شدن سازمان به معنای خاص نمی‌گردد. (نجف آبادی: ۱۳۹۱، ۴۰) نهایتاً با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که سازمان تامین اجتماعی وابسته به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است ولی منظور از این وابستگی تنها نظارت کلی و راهبردی بر سازمان تامین اجتماعی است و این امر مانع از شخصیت حقوقی مستقل سازمان تامین اجتماعی و استقلال مالی و اداری آن نیست و نوع شخصیت حقوقی صندوق موضوع حقوق عمومی محسوب می‌گردد.

پیامد مهم آثار استقلال شخصیت حقوقی مجزا، استقلال مالی و اداری است که سازمان نیز از این امر مستثنی نبوده و دارای استقلال مالی، اداری به معنای دارا بودن بودجه مستقلی از بودجه عمومی است. و همچنین آیین نامه اداری و استخدامی خاصی را دارا می‌باشند.

استقلال مالی سازمان را از لحاظ مالی کاملاً مستقل و سبب شده هیچ گونه وابستگی‌های مالی به دولت نداشته که خود منجر به عدم استفاده از بودجه عمومی کشور می‌گردد و راهکارهای درآمدی را در ماده ۱۹ اساسنامه سازمان تامین اجتماعی را به شرح ذیل بیان می‌کند:

الف- وجوه و دارایی‌های موجود و منافع حاصل از سرمایه‌گذاری‌های سازمان

ب- حق بیمه های دریافتی و دریافتی شامل سهم بیمه شدگان به کارفرمایان و دولت
 پ- وجوه حاصل از خسارات جرایم و جزاهای نقدی موضوع قوانین و مقررات مربوط یا احکام قطعی دادگاه ها

ث- بدهی ها، کمک ها و تعهدات قانونی دولت به صندوق

ج- سایر منابعی که بر اساس ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی یا قوانین و مقررات مربوط قابل جذب توسط صندوق باشد.

با توجه به مشخص شدن راه های منابع درآمدی سازمان تامین اجتماعی و وجود استقلال مالی و اداری سازمان، جای دارد که نسبت به حفظ این منابع و راهکاری جهت تامین پایدار درآمدهای سازمان تلاش بیشتری شود و بررسی نرخ حق بیمه به عنوان پایه اصلی درآمدی سازمان و تعادل در منابع و مصارف نقش بسیار مهمی را ایفا می کند و میزان و دریافت آن ارتباط مستقیم نیز با اقتصاد، اشتغالزایی و غیره دارد.

مفهوم حق بیمه با توجه به تعریفی که از حق بیمه در قانون تامین اجتماعی بیان شده عبارت است از وجه و در ثانی هدف از پرداخت حق بیمه موضوعیت دارد. (هداوند، جم: ۱۳۹۰، ۵۰) بیمه شده شخص با پرداخت مبلغ به عنوان حق بیمه از مزایای مقرر در تامین اجتماعی برخوردار می گردد و در این ارتباط اگر بیمه شده شخصا و بدون وجود کارفرما و کارگاهی به سازمان تامین اجتماعی حق بیمه پرداخت کند کارگاه، و کارفرما موضوعیت نخواهد داشت و نوع حق بیمه واریزی شخص بیمه شده طبیعتا مشمول قوانین مربوط به پرداخت حق بیمه اجباری نمی گردد و مزایای متعلقه کمتری را نسبت به بیمه شده اجباری دربر خواهد گرفت و این دسته از بیمه شدگان جنبه اختیاری دارند و قوانین حاکم بر آنها در مورد نرخ حق بیمه متفاوت با دسته دیگر می باشد لذا با توجه به این که عنوان و موضوع نوشتار حاضر تمرکز اصلی بر روی حق بیمه اجباری دارد. دادن توضیحات بیشتر ضروری نمی باشد. دسته دوم بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی که موضوع بحث نیز قرار دارد بیمه شدگان اجباری هستند. مفاهیم کارگاه، کارفرما، حقوق و مزایا و مفهوم حق بیمه و نرخ و مآخذ محاسبه آن در این دسته موضوعیت دارد و بیمه شدگان اجباری از جهت پرداخت حق بیمه و تنوع مزایای متعلقه با سازمان ارتباط بیشتری دارند.

اجبار ناشی از قوانین و مقررات و حکم به بیمه نمودن افراد به صورت اجباری در مواد مختلف قانون تامین اجتماعی و قانون کار مشخص و تبیین شده و به تبع آن، میزان، نوع و ویژگی های پرداخت حق بیمه متفاوت خواهد بود. پس در رابطه شکل گیری نوع بیمه اجباری، کارگر، کارفرما، کارگاه و میزان حقوق و دستمزد و حق بیمه باید وجود داشته باشد تا بتوان در مفهوم واقعی نرخ حق بیمه ورود کرد.

بعد از تقسیم بندی بیمه شدگان به اجباری و اختیاری باید انواع مختلف کارگاه ها را با توجه به موضوع نوشتار تقسیم بندی نمود.

کارگاه ها در تقسیم بندی مد نظر به دو دسته کارگاه های صنفی و غیرصنفی تقسیم بندی می شوند.

کلیه کارگاه هایی که دارای پروانه کسب و فعالیت صادره از مجمع امور صنفی (اصناف) می باشد را جز کارگاه های صنفی و کارگاه هایی که فعالیت آنها غیر از جواز و پروانه کسب از نهادهای دیگر مانند ثبت اسناد (شرکت ها)، جواز تاسیس شهرکهای صنعتی، کارگاه های معدنی و صنعتی، پیمانکاران و ادارات غیر دولتی که مشمول پرداخت حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی هستند را در حوزه کارگاه های غیر صنفی قرار می دهیم.

درمورد پرداخت حق بیمه کارگاه های صنفی به سازمان تامین اجتماعی و محاسبه حق بیمه نیز به دو بخش می توان تقسیم کرد::

الف) کارگاه های مشمول معافیت پرداخت حق بیمه سهم کارفرما

ب) کارگاه های غیر مشمول معافیت

۴- ۲ مواد قانونی مربوط به حق بیمه، میزان آن، چگونگی، نحوه محاسبه آن

موضوعیت پیدا کردن مفاهیم تعریف شده در رابطه بین کارگر و کارفرما و احراز رابطه مزدبگیری بین آنها تعهداتی را طبق قانون برای کارفرمایان الزاما قرار داده که این مسوولیت و تعهدات به گونه ای است که تمامی افرادی را که در مقابل دریافت فرد یا حقوق کار میکنند مشمول قانون تامین اجتماعی می دانند. بنابراین اصل بر شمول مقررات تامین اجتماعی بر کلیه مزدبگیران است. مگر اینکه مشمول حمایت های خاصی قرارداد شده باشند.

در ماده ۴ قانون تامین اجتماعی مشمولین بند الف « افرادی که به هر عنوان در مقابل دریافت مزد یا حقوق کار می کنند به عنوان بیمه شدگان اجباری سازمان تامین اجتماعی محسوب می شوند. (نعیمی و همکاران: ۱۳۹۲، ۳۲) زمانی که افراد به عنوان بیمه شدگان اجباری قانون بر آنها شمولیت پیدا نمود. این قبیل از بیمه شدگان بدون رضایت و میل خودشان بیمه شده اجباری محسوب شده و در نظام بیمه شدگان اجباری کارفرما مکلف است حق بیمه سهم خود و بیمه شده را برابر مواد ۳۶ و ۳۹ قانون تامین اجتماعی به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کند.

ماده ۳۶: کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه شده به سازمان می باشد و مکلف است در موقع پرداخت مزد یا حقوق و مزایا سهم بیمه خود را بر آن افزوده به سازمان تادیه نماید.

در صورتی که کارفرما از کسر حق بیمه سهم بیمه شده خودداری کند شخصا مسئول

پرداخت آن خواهد بود. تاخیر کارفرما در پرداخت حق بیمه یا عدم پرداخت آن رافع مسئولیت و تعهدات سازمان در مقابل بیمه شده نخواهد بود.

نهایتاً سازمان مکلف به پذیرش لیست بیمه ای کارفرما و محسوب نمودن مزدبگیران در زمره بیمه شدگان است. بنابراین در خصوص بیمه شدگان اجباری هیچ کدام از بیمه شده، کارفرما، دولت و سازمان تامین اجتماعی نمی توانند با موافقت یکدیگر و به تنهایی از انجام عملیات بیمه شدن شخص مزدبگیر ممانعت نمایند و یا توافقی برخلاف قواعد تامین اجتماعی صورت دهند (نعمی و همکاران: ۱۳۹۲، ۴۰) اگر توافقی نیز انجام دهند بر خلاف قانون باطل و غیر قابل اثر می باشد.

پس میتوان مصداق بارز بیمه شدگان اجباری را در کارگران به مفهوم عام مستفاد از تعاریف مربوط به کارگاه و حق السعی کلیه مشمولان قانون کار مشمول مقررات حمایتی قانون تامین اجتماعی هستند.

پس از توضیحات بیان شده و مشخص شدن اجباری بودن بیمه شدگان مشمول قانون کار میزان، چگونگی نحوه محاسبه حق بیمه بایستی بررسی گردد.

براساس قانون تامین اجتماعی و ماده ۲۸، حق بیمه ۳۰ درصد مزد یا حقوقی است که ۷ درصد آن بعهده بیمه شده، ۲۰ درصد به عهده کارفرما و ۳ درصد بوسیله دولت تامین میشود. گفتنی است بر اساس قانون بیمه بیکاری مصوب ۱۳۶۹/۶/۲۶، سه درصد سهم دولت که به عنوان بیمه بیکاری به حساب می آید بر عهده کارفرما قرار گرفت به بیانی ساده تر ۲۳ درصد حق بیمه سهم کارفرما و ۷ درصد سهم بیمه شده که جمعاً ۳۰ درصد حقوق و مزایا می باشد

* جمع حقوق و مزایا	۲۰ درصد	سهم کارفرما
	۷ درصد	سهم بیمه شده
	۳ درصد	بیمه بیکاری

مستنبط از مواد ۲۸، ۳۶، ۳۹، ۴۰ و ۵۰ قانون تامین اجتماعی مسئولیت پرداخت حق بیمه بر عهده کارفرما و کارفرما باید طبق ماده ۲۸، آن را محاسبه و حق بیمه هرماه را تا پایان ماه بعد به همراه لیست پرداخت نماید در غیر اینصورت بیمه تامین اجتماعی خود را مبلغ حق بیمه را محاسبه و طبق ماده ۵۰ از طریق اجرائیه سازمان به وصول حق بیمه کارگران و بیمه شدگان اقدام می نماید.

بیمه شدگان اجباری مشمول قانون تامین اجتماعی در بخش کارگاههای صنفی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و باید بر همین اساس حق بیمه بیمه شدگان خود را به سازمان تامین اجتماعی ارسال نمایند.

۴-۳- معافیت حق بیمه سهم کارفرما در بعضی کارگاه های صنفی

بر اساس قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند، مصوب ۶۱/۱۲/۱۶، از آغاز سال ۱۳۶۲ کارفرمایان کلیه کارگاه های تولیدی و صنعتی و فنی که از خدمات دولتی (از قبیل: آب، برق، تلفن و راه) استفاده می کنند تا میزان ۵ نفر کارگر از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما معاف بوده و از پنج نفر به بالا نسبت به مازاد پنج نفر حق بیمه راطبق محاسبه جدید خواهند پرداخت این معافیت بر اساس قانون الحاق یک تبصره به قانون معافیت از پرداخت حق بیمه ۶۷/۸/۱۹ فقط شامل کارفرمایانی می شود که حق بیمه ماهانه سهم کارگر را تا دو ماه پس از مهلت قانونی ارسال و پرداخت کنند و در صورت عدم پرداخت بخشودگی موضوع این قانون برای آن مدت منتفی می شود و مکلف به پرداخت حق بیمه قانونی ماهانه خواهد بود. بر اساس همین قانون در تاریخ ۶۹/۲/۲ هیات وزیران مصوبه ای را صادر کرد که در آن فهرست کارگاههای مشمول معافیت حق بیمه سهم کارفرما تا میزان ۵ نفر را احصا کرد این کارگاه ها تعداد ۳۸ عنوان می رسد. اما در سالهای اخیر بعضی از کارگاه ها از بحث معافیت حق بیمه سهم کارفرما خارج شده و حق بیمه کامل را بایستی ماهانه پرداخت کنند.

۵- حق شهروندان و تکلیف دولت، ادامه و شمول معافیتها به تمام کارگاههای صنفی

در شرایطی که دنیای امروز بر اساس تجارب علمی و منطقی به این باور رسیده که بدون تامین اجتماعی تحقق عدالت اجتماعی ممکن نیست و بدون عدالت اجتماعی توسعه اقتصادی یعنی تولید و اشتغال بیشتر ممکن نخواهد بود هرگونه ایجاد محدودیت در قانون تامین اجتماعی کشور دارای عوارض منفی و نشانه ای از بی توجهی به برخی موازین شناخته شده در زمینه حقوق نیروی کار تعبیر خواهد شد (ادراکی، شریعتمداری: ۱۳۸۲، ۸۴) نقش حمایتی و تکلیف دولت نه تنها در بخش پرداخت حق بیمه سهم کارفرما در کارگاه های مشمول معافیت قانون در سازمان تامین اجتماعی بلکه به طور کلی و همه جانبه را میتوان با توجه به نوع نگاهی که ما به دولت ها داریم را بررسی می کنیم و این نگاه نیز جز با رجوع و استناد به اصول قانون اساسی، اسناد راهبردی و اساسی و قوانین عادی قابل بررسی و تحلیل نیست. اگر نقش دولت با توجه به اسناد و قوانین نقشی بی طرف و عدم مداخله گر باشد صحبت از نقش حمایتی دولت بی معنا خواهد بود و اصلا موضوعیت نخواهد داشت اما اگر این نقش کاملا مشخص و در راستای اهداف یک نظام تامین اجتماعی تعریف شده باشد چه در مورد معافیت سهم کارفرما و چه در موارد دیگر نه قائل به حذف کمک های حمایتی هستیم و نه خواهیم بود. لذا طبق اسناد بالادستی، سیاستهای کلی نظام و قوانین در ادامه اشاره می گردد این نقش برای دولت تعریف شده، نقش دولت در جمهوری اسلامی نظام تامین اجتماعی نقش بی طرف و غیر مداخله گر نیست بلکه در کمترین موارد نیز در این حوزه نقش نظارتی و راهبردی در قوانین متفاوت پیش بینی و تعریف شده است. حضور

دولت در نظام تامین اجتماعی از راه ها و موارد مختلف در قوانین و مقررات پیش بینی گریده است که یکی از این موارد کمک به پرداخت های حق بیمه سهم کارفرماست. اجرای این قانون برای دولت همراه با مخاطراتی بوده و موضوع بار مالی آن نیز همواره مطرح است لذا در خود قوانین نیز ایجاد بار مالی جدید برای دولت یا در هر صورت ایجاد روش تامین منابع مالی موضوع مهمی است. لازم به ذکر است در بحث حقوقی معافیت ها و پرداخت سهم کارفرما توسط دولت به هیچ عنوان بار مالی جدید ایجاد نمی شود بلکه با هدفمندی این حمایت ها و سرشکن کردن سهم دولت به تعداد بیشتری از کارگاه ها می توان بخش وسیعی از مردم بویژه قشر کارگر و نیازمند شاغل در کارگاه های صنفی را تحت پوشش قرار داد و اثر مستقیم بر اشتغال، اقتصاد و معیشت مردم دارد. بررسی اسناد در خصوص معافیت ها و هدفمند کردن کمک های دولت در پرداخت حق بیمه اولین سوالی که در ذهن شکل می گیرد این است که: آیا در بیان بررسی و تحلیل حقوقی معافیت ها تلاش بر دوام و پایداری آنهاست یا به حق و تکلیف است یا حذف حمایت های دولت از کارگاه های صنفی مورد نظر که مشمول معافیت های دولت هستند؟ لذا با رجوع به اسناد، و قوانین مورد نظر و تبیین مفهوم حق و تکلیف سعی در مثبت ارزیابی کردن معافیت ها داریم نه حذف آنها و هدفمند کردن مزایا بیمه اجتماعی را که توسط دولت در بعضی کارگاه های صنفی پرداخت می شود به صورتی عادلانه به بقیه کارگاه ها سرشکن کنیم.

فرمان ها، اسناد و قوانین متنوعی در زمینه همگانی کردن نظام تامین اجتماعی و گسترش بیمه های اجتماعی در کشور به منظور تحقق عدالت اجتماعی وجود دارد (گرچی پور: ۱۳۹۵، ۱۵۱)

بیمه های اجتماعی در قانون اساسی

در اصل سوم قانون اساسی بند ۹ و ۱۲ بر لزوم بکارگیری امکانات برای رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی و «پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هرنوع محرومیت در زمینه های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، و تعمیم بیمه» اشاره شده است.

اصل بیست و نهم به عنوان مهم ترین و در راس اصول مربوط به تامین اجتماعی قرار دارد که برخورداری از تامین اجتماعی را حق همگانی دانسته و کلیه حمایت های حداقلی را از جمله بازنشستگی، پیری، از کارافتادگی و غیره بطور واضح مشخص و تعیین نموده است. در ادامه این اصل دولت مکلف شده طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای تمام افراد کشور تامین کند.

- بیمه های اجتماعی در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی

در بند «الف» از ماده ۳ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی بر «گسترش نظام بیمه ای و تامین سطح بیمه همگانی برای آحاد جامعه با اولویت دادن به بیمه های مبتنی

بر بازار کار و اشتغال « تاکید شده است. به علاوه، در بند « الف » ماده ۶ این قانون بر « ساماندهی و هماهنگی فعالیت‌ها و خدمات در هر یک از حوزه‌های بیمه‌ای، حمایتی و امدادی در جهت افزایش کارآمدی و پوشش کامل‌تر فعالیت‌دستگاه‌ها به نحوی که از هم پوشانی و تداخل فعالیت‌های آن‌ها جلوگیری گردد » تاکید شده است. تکلیف دیگری که در بخش ۲ و ۳ بند « ی » از ماده ۶ مورد تاکید قرار گرفته و تاکنون نیز اجرایی نشده است، یکسان بودن درصد مشارکت و سهم پرداختی کارفرما و بیمه‌شده نسبت به مآخذ کسر حق بیمه به صندوق‌های فعال در سطح بیمه‌های همگانی و بیمه‌های اجتماعی و درمانی است. به موجب بند « ط » از ماده ۹ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، « ارائه تعهدات بیمه‌ای صندوق‌ها در قبال افراد عضو و تحت پوشش بر اساس قاعده عدالت و به تناسب میزان مشارکت (سنوات و میزان پرداخت حق بیمه) و با تنظیم ورودی‌ها و خروجی‌ها طبق محاسبات بیمه‌ای صورت می‌پذیرد » (گرچی پور: ۱۳۹۵، ۱۵۵)



نتیجه گیری

نوشتار حاضر دو صورت از ارتباط بین حق و تکلیف را مورد بازشناسی قرار داد و کاربست آنها را در ارتباط با نظام تامین اجتماعی مطرح نمود؛ همانطور که اشاره شد تکالیف ناظر بر تامین اجتماعی، هم متوجه دولت است و هم متوجه شهروندان.

تکلیف دولت‌ها علاوه بر تأمین حداقل استانداردهای معیشتی و اصل ۲۹ قانون اساسی که برای زندگی شهروندان لازم است، شامل بسترسازی، ارتقاء آموزش‌ها و توانمندسازی شهروندان و گروه‌های اجتماعی، استقرار عدالت، تجهیز و مدیریت بهینه منابع جهت گسترش نظام تامین اجتماعی نیز می‌باشد. همچنین دولت باید شرایط نهادی و ساختاری لازم جهت پیگیری و مطالبه حقوق تامین اجتماعی را برای شهروندان که بعنوان حقی برای آنان است فراهم کند.

لذا با توجه به اینکه اقتصاد کشور ماهواره در مقابل بحران‌ها، تحریم‌ها و مخاطرات بین المللی قرار دارد، توانایی مقاومت اقتصادی را باید سرلوحه کار قرار داد. با عنایت به بندهای ۹ و ۱۲ اصل ۳، بندهای ۲ و ۴ اصل ۲۱، بندهای ۱ و ۲ اصل ۴۳، و اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور دستیابی به اهداف قانون برنامه پنجم و ششم توسعه مبنی بر زمینه سازی تحقق هر چه بیشتر عدالت اجتماعی، بسط و گسترش پوشش بیمه های اجتماعی، و ایجاد رویه یکسان در ارائه خدمات صندوق های بیمه ای باید هدفمند سازی مزایا و حمایت‌های اجتماعی در قوانینی مثل قانون معافیت سهم کارفرما در بخش بیمه ای سازمان تامین اجتماعی اگر قرار باشد تاثیرات مورد نظر راداشته باشد به سمت گروه هدفی جهت دهی شود که واجد شرایط مقرر هستند. مسوولان باید بسته حمایتی خدمات و مساعدت‌های اجتماعی مبتنی بر تامین اجتماعی در حوزه بیمه ای راندوین تا طیف وسیعی از مردم، به ویژه اقشار نیازمند و گروه های هدف شاغل در کارگاه‌های مشمول بیمه تامین اجتماعی را دربرگیرد، چرا که غالب تغییرات و تصمیمات اقتصادی بر معیشت و سلامت مردم آثار مستقیم و غیر مستقیمی دارند. لذا یک نظام فراگیر، جامع و با کفایت تامین اجتماعی باید متکفل صیانت از حقوق مردم در دوره مقاومت شود.

در میان سازمان‌ها و صندوق های بیمه گر اجتماعی سازمان تامین اجتماعی، از شرایط بهتری برخوردار است اما بایستی توجه داشته باشیم این سازمان دارای شخصیت حقوقی مستقل مالی و اداری است و از بودجه دولت هیچ استفاده ای نمی کند لذا نباید باتصویب قوانین نامساعد و مغایر با اصول و قواعد بیمه ای آن را در شرایط بحرانی قرار داد.

کارگاه‌های صنفی نوعا بعنوان متقاضیانی که در برنامه های بیمه ای نظام تامین اجتماعی مشارکت دارند با استفاده بهینه از منابع تخصیص یافته دولت در حوزه بیمه ای گام برمی دارند

تسری قانون معافیت به تمامی کارگاه‌های صنفی باتوجه به اصل برابری و منع تبعیض واصل تضمین دولت در ارائه نظام تامین اجتماعی جامع با برنامه ریزی صحیح و سرشکن کردن معافیتها به تمام کارگاه‌های صنفی بار مالی جدید ایجاد نمی کند بلکه تعداد بیشتری کارگاه را از این معافیتها برخوردار کرده که بیمه شدگان بیشتری راتحت پوشش قرار می دهد و تاثیر مستقیم دردردآمد زایی سازمان دارد . در نتیجه وظیفه ذاتی دولت در جمهوری اسلامی باتوجه به قانون اساسی ، قوانین عادی و سایر اسناد بالادستی و سیاستهای کلی موظف بودن ، تعهد داشتن و مکلف بودن در زمینه برقراری نظام تامین اجتماعی فراگیر و جامع در راستای احقاق حقوق همه شهروندان است . بنابراین حذف معافیتها و عدم حمایت از کارفرمایان که یکی از شرکای این سازمان می باشد خلاف و مغایر با روح قوانین مورد نظر می باشد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

کتاب ها

۱. ابراهیمی، جهانبخش، ۱۳۸۲، سبیری در حقوق بشر، انتشارات زوار، تهران.
۲. استوار سنگری، کوروش، ۱۳۸۸، حقوق اداری، نشر میزان
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۸، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش
۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، حق و تکلیف در اسلام، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، قم
۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
۶. عراقی، عزت الله، ۱۳۸۶، درآمدی بر حقوق تامین اجتماعی، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی
۷. گرجی پور، اسماعیل، ۱۳۹۵، اسناد سیاستی نظام تامین اجتماعی چند لایه کشور، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی
۸. مجتبیوی نائینی، سید مهدی، ۱۳۷۲، فرهنگ اصطلاحات کار و تامین اجتماعی (وزارت کار و امور اجتماعی) (موسسه کار و تامین اجتماعی)
۹. مصباح، مجتبی، ۱۳۹۱، بنیادی ترین اندیشه ها، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ دوم، قم.
۱۰. مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۲، نظریه حقوقی اسلام: حقوق متقابل مردم و حکومت، نگارش محمد مهدی نادری و محمد مهدی کریمی نیا، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱-۲.
۱۱. معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی، ۱۳۹۴، تامین اجتماعی برای همه، انتشارات راه فردا
۱۲. معین، محمد، ۱۳۸۹، فرهنگ فارسی، انتشارات تهران، بهزاد
۱۳. میرموسوی، سید علی، حقیقت، سید صادق، ۱۳۹۱، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ یازدهم، تهران.
۱۴. نبویان، سید محمود، ۱۳۸۸، حق و چهار پرسش بنیادین، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، قم.
۱۵. نعیمی، عمران و همکاران، ۱۳۹۲، قانون تامین اجتماعی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات جنگل، جاودانه.
۱۶. ورعی، سید جواد، ۱۳۸۱، حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم.

۱۷. هداوند، مهدی، جم، فرهاد، ۱۳۹۰، نظام حقوقی رسیدگی به اختلافات کارفرمایان با سازمان تامین اجتماعی در هیات های تشخیص مطالبات، انتشارات جنگل، جاودانه

مقالات

۱۸. ادراکی، شریعتمداری، بهروز، شایسته، ۱۳۸۲، بررسی اثرات معافیت کارگاههای کوچک از شمول قانون تامین اجتماعی و مغایرت‌های آن بامبانی نظری و عملی، فصلنامه تامین اجتماعی، سال پنجم ۴۲-۵۱

۱۹. چربگو، یونس، ۱۳۸۶، تبیین مفهوم حق و رفاه تامین اجتماعی، فصلنامه داخلی قوانین و مقررات تامین اجتماعی، سال سوم، شماره هفتم، ۳۵-۴۶

۲۰. سلیمانی درچه، محمد، ۱۳۹۳، آشنایی بامفاهیم حقوق عمومی، بررسی مفهوم حق، دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

۲۱. طباطبایی حصار، نسرين، ۱۳۸۷، نظام حقوقی حاکم بر تامین اجتماعی، فصلنامه داخلی قوانین و مقررات تامین اجتماعی، شماره دهم، ۴۲-۵۳

۲۲. موسوی، سید فضل الله، ۱۳۸۴، نظام تامین اجتماعی از دیدگاه اسلام، مجموعه مقالات همایش تبیین جایگاه حقوق تامین اجتماعی، ۱۵۰-۱۷۲

۲۳. نادعلی، محمد، ۱۳۹۰، بررسی تاثیر قانون معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرماتامیزان پنج نفر بر ایجاد اشتغال و منابع و مصارف صندوق تامین اجتماعی، فصلنامه تامین اجتماعی، سال نهم ۳۵-۴۲

۲۴. نبویان، سیدمحمد، ۱۳۸۶، حق و تکلیف و تلازم آنها، مجله معرفت فلسفی، شماره دوم، سال پنجم، ۲۵۳-۲۱۷

پایان نامه

۲۵. نجف آبادی، محمدرضا، ۱۳۹۱، تحلیل آراء صادره هیات عمومی دیوان عدالت اداری بااستناد به اصول حاکم بر حقوق اداری

یادداشت

۲۶. موسوی، سیدمحسن، ۱۳۹۲، تلازم حق و تکلیف در شهروندی اجتماعی، خبرگزاری فارس.